

در گفت‌وگوی «جوان» با داوود فتحعلی‌بیگی دبیر جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی مطرح شد

دانشگاهی شدن نمایش‌های آیینی گرفتار سلیقه مدیران



داوود فتحعلی‌بیگی از جمله چهره‌های شناخته‌شده عرصه نمایش‌های آیینی و سنتی کشورمان است که چندسالی است به‌عنوان دبیر جشنواره‌ای با همین‌عنوان فعالیت می‌کند، رویدادی که به‌تازگی بیستمین دوره آن برگزار شد. «جوان» با این پیشکسوت عرصه نمایش در رابطه با اوضاع هنر ملی، چرایی به‌سرانجام نرسیدن ایجاد رشته‌دانشگاهی آن، سرنوشته‌بنیادملی هنرهای آیینی وسنتی و برخی‌حواشنی ایجادشده برای جشنواره گفت‌وگو کرده‌است.

■ ■ ■

با توجه به برگزاری بیستمین دوره جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی ارزیابی شما از این جشنواره و شرایط فعلی نمایش‌های آیینی سنتی در کشورمان چیست؟

از ابعاد مختلفی می‌توان به این ماجرا نگاه کرد، جشنواره‌ای که اولین دوره‌اش ۱۳ گروه شرکت کرده بود رسید تا به جایی که در دوره قبل نزدیک به ۱۴۰ اثر در بخش‌های مختلف به معرض نمایش درآمدند.

همه آنها داخلی بودند یا اینکه از خارج کشور هم شرکت‌کننده داشتید؟

همه آثار متعلق به هنرمندان کشور خودمان بود. البته چند سال است که به دلیل اعمال برخی تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی علیه کشورمان، گروه‌های خارجی نمی‌توانند به‌اینجا بیایند. تقریباً در ادوار گذشته جشنواره دو، سه دوره که بین‌المللی برگزار کردیم گروه‌های خارجی شرکت می‌کردند. الان بخش سمینار جشنواره چند دوره است که به صورت بین‌المللی برگزار می‌شود که مشغول کارهای پژوهشی هستند.

همان‌طور که گفتیم ما ابتدای کار از ۱۳ گروه در همین بخش نمایش‌های شادی‌آور شروع کردیم که مجموعه‌ای از افراد پیشکسوت، کارکنشته و باتجربه و همچنین طیف وسیعی از هنرمندان جوان بودند. رفته رفته از دوره سوم به بعد شاهد شبیه‌خوانی به جشنواره اضافه‌شده‌بعدهاقتالی به آن اضافه‌شدو سپس نقالی را در قالب نمایش‌های قهوه‌خانه‌ای توسعه دادیم و در دوره‌ای دیگر نقل موسیقایی را به بخش‌های جشنواره اضافه کردیم.

رفته رفته ما زمینه‌های حضور کودکان ونوجوانان را در قالب بخش جوانه‌ها فراهم کردیم، شرایط واقع می‌خواهم بگویم که در تمام ادوار گذشته و به مرور زمان مشغول کارهای این‌چینی بودیم تا جشنواره به بیستمین دوره‌اش رسیده است. این گسترده‌گی که ما امروز در جدول جشنواره می‌بینیم حاصل این سالیان طولانی برگزاری ادوار مختلف جشنواره‌است که از ۱۳ گروه شروع شده تا اینکه همه طیف‌های مربوط به نمایش‌های آیینی و سنتی را دربر گرفت. علاوه بر این ما در کنار مقوله اجرا دیدیم باید به بحث پژوهش هم توجه کنیم. قبلاً هر از گاهی یک جلسه سخنرانی می‌گذاشتیم و از بزرگان دعوت می‌کردیم و سخنرانی می‌کردند و بعد هم کتابچه کوچکی چاپ می‌کردیم که هم برنامہ اجراها در آن باشد و هم یکی دو تا گفت‌وگو و مقاله؛ بعد به این نتیجه رسیدیم که این مسئله به‌نمایش‌های آیینی و سنتی ما در حوزه پژوهش باید انجام شود خیلی گسترده‌تر از این است و قطعاً این کارها کفایت نمی‌کند به همین علت از ۱۶ سال پیش رسماً بخش پژوهش را در قالب

برگزاری سمینار راهاندازی کردیم که با اسامال هشتمین دوره این سمینار بود که از دوره سوم یا چهارم آن ر بین‌المللی برگزار کردیم. حالا دیگر انتشارات ما به جای انتشار یک کتابچه کوچک با آن مشخصاتی که عرض کردم رفت به این سمت که هم دفتر تعزیه داریم هم دفتر نمایش‌های شادی‌آور (تقلیدی) دفتر پژوهش و نیز مجموعه مقالات خود سمینار را داریم و گاهی هم برخی از پژوهش‌هایی را که بعضی از دوستان انجام داده‌اند می‌آورندو به ما پیشنهاد می‌دهند تا برای آنها بازی‌نامه بنویسیم. به تبع همین مسئله الان سه، چهار دوره است که ما در جشنواره مسابقه نمایش‌نویسی تحت عنوان «بازی‌نامه‌نویسی» را برگزار می‌کنیم.

اینها اقدامات توسعه‌ای بوده که در جشنواره انجام داده‌اید؟
بله، البته باید عرض کنم این کارهایی که صورت گرفته بربرغم اینکه لازم بودند کافی نیست!

خب چرا تا الان خودتان اقدامات کافی را انجام نداده‌اید؟

مال‌ان چندین سال است به راهاندازی بنیادملی نمایش‌های آیینی و سنتی با اهداف و رویکرد آموزش، پژوهش و آفرینش فکر می‌کنیم!

ان‌در چه مرحله‌ای از این مسئله هستید و آیا گمان می‌کنید که این فکر تحقیق پیدا می‌کند؟

امیدواریم این اتفاق بیفتد. البته هنوز در مرحله تقاضا هستیم و در این رابطه یا باید وزارت میراث فرهنگی پای کار بیاید یا وزارت ارشاد یا به‌صورت اشتراکی زمینه تحقق آن را فراهم کنند.

شما این پیشنهادها را به هر دووزارتخانه ارائه کرده‌اید؟

ما پیشنهادها را چند دوره است که مدام می‌گوییم اما هیچ‌کس فعلای پای کار نیامده‌است. ببینید! بخش حمایت از میراث ناملموس جزو وظایف وزارت میراث فرهنگی است همان‌گونه که تعزیه‌ها و نقالی را به ثبت جهانی رسانده‌اند باید یک کاری هم برای آنها در داخل کشور انجام دهند!املاً می‌توانند یکی از ساختمان‌هایی که در اختیار دارند را به‌کانون نمایش‌های آیینی و سنتی واگذار کنند یا اینکه جایی را تحت عنوان بنیاد ملی نمایش‌های آیینی و سنتی ایجاد و راه‌اندازی کنند. اگر فضایی در اختیار کانون قرار بگیرد می‌توان به‌طور دائم نقالی، خیمه‌شببازی، نقل موسیقایی، موسیقی‌مقامی و حتی شبه‌های شاهنامه‌خوانی و شبیه‌خوانی و نمایش‌های شادی‌آور را به مخاطبان و علاقه‌مندان ارائه کرد. اگر استمراری در اجرای این‌گونه آثار نباشد رفته رفته کمرنگ شده و در خطر فراموشی و نابودی قرار می‌گیرند. حالا که دانشگاه‌ها به لطف تئاتر غربی نسبت به نمایش ایرانی کم‌توجه هستند حداقل باید یک جایی باشند که علاقه‌مندان این عرصه به‌نمایش‌های آیینی و سنتی دسترسی در کنار افراد پخته و کارکنشته آموزش ببینند.

همان‌طور که گفتید الان ۲۰ دوره از جشنواره و هشت دوره هم سمینار پژوهشی برگزار شده و طبق صحبت‌های شما جشنواره را از نظر کیفی و کمی توسعه داده‌اید که حتماً همین‌طور هم هست لکن ما در حوزه آموزش آکادمیک و دانشگاهی مقوله‌ای تحت عنوان نمایش‌های آیینی در حد یک درس دو واحدی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود که ظاهراً

علی‌السویه هم هست. آیا برای تقویت این عرصه از هنرهای آیینی و سنتی که ذیل فرهنگ ملی ما تعریف می‌شود راهکار یا پیشنهادی به وزارت علوم یا دستگاه‌های دیگر ارائه کرده‌اید؟
بله داده‌ایم، ۱۰ سال پیش شاید هم بیشتر از آن طریق دانشگاه سوره رشته نمایش‌های آیینی و سنتی را تعریف کردیم. پارسال هم از طریق دانشگاه فرشچیان مجدداً این رشته را تحت عنوان نمایش‌های ایرانی بازتعریف کردیم ولی حرف سر این است که هیچ‌اراده‌وطن‌رستانه‌ای در وزارت علوم وجود ندارد!

چرا؟ فکر می‌کنید علت آن چیست؟
بالاخره این رشته هم یکی از هنرهای ایرانی است.

این را باید از خود وزارت علوم و کارشناسانش و آن هیئتی که رشته‌ها را تصویب می‌کنند پرسید!

پاسخ‌شان به شما چه بوده؟

در این زمینه از طریق دانشگاه سوره اقدام شده و باید از آنها پرسیم که پاسخ‌شان چه بوده! حتی من در دیداری که چند سال پیش با مقام معظم رهبری داشتم یک عریضه یک‌صفحه‌ای خدمت‌شان تقدیم کردم مبنی بر اینکه نسبت به نمایش‌های ایرانی بی‌توجهی می‌شود. ایشان به یکی از اعضای دفتر استساز تأکید کردند که حتماً آن نامه را به ایشان بدهند تا بخوانند. بعداً اطلاع پیدا کردیم که ایشان نامه را مطالعه کرده‌اند، روی نامه من یک نامه‌ای می‌گذارند و به دفترشان می‌دهند که آنها هم آن را به دانشگاه سوره ارسال کردند. آنها هم آمدند و مجدداً این واحدها را بازنگری کردند و قرار بود بفرستند برای وزارت علوم، از بقیه ماجرا دیگر خبر ندارم که چه اتفاقی افتاده است!ما ما به بالاترین مقام این کشور عریضه نوشتیم و ایشان هم لطف کرد و از طریق دفترشان دستور بررسی دادند. ما در این رابطه واحدهای درسی دانشگاهی را تعریف کرده بودیم و برای‌شان شرح درس نوشتیم ولی نمی‌دانم چه اراده‌ای وجود دارد که نمی‌گذارند فرهنگ ملی مهمی‌مان ترویج پیدا کند!ما ضمن اینکه باید به یاد داشته باشیم آنچه که ما الان داریم شاید یک رگه‌هایی از آن مربوط به فرهنگ‌های پیش از اسلام باشد اما آنچه متبلور شده و خیلی چشمگیر است تحت تأثیر فرهنگ اسلامی ایرانی شکل گرفته و به دست ما رسیده است چه در قالب نقالی، چه در قالب شبیه‌خوانی و حتی نمایش‌های شادی‌آور همه آنها همیشه پندآموز بودند و انسانیت و اخلاق را



وقتی ما ۱۴۴ واحد دانشگاهی در س برای این رشته تعریف کردیم روی هوا که این کار را انجام نداده‌ایم! بعد از ۴۵ سال مطالعه و کار و پژوهش چنین اتفاقی افتاده



درسی این رشته که کتاب شبیه‌نامه‌خوانی است مجلس شمیة لیلی و مجنون در آن می‌بینی، عین‌القضات همدانی می‌بینی، شیخ صنعان و رستم و سهراب می‌بینید، اینها یعنی چی؟ یعنی این هنر شبیه‌خوانی ظرفیت داشته که این مضامین در آن مطرح شوند.

به نظر‌تان حضور مستمر و چندین ساله یک تیم در رأس این جشنواره شائبه‌برانگیز نیست؟

باید از نزدیک این جشنواره و خروجی آن را بررسی کنیم بعد قضاوت کنیم. باید از نزدیک یک کرد که آیا این اتاق فکر متمرکز همیشه یک اتفاق در آن رخ داده؟ همیشه یک عده آدم معنی به آنجا آمده‌اند و رفته‌اند؟ یا نه! افرادی که در این مجموعه چه در این دوره چه در دوره‌های قبل کار کرده‌اند اغلب‌شان دیگر پیشکسوت نیستند. خیلی از پیشکسوت‌های حوزه مختلف از دنیا رفته‌اند، مثلاً در نقالی دیگر ما مرشد ترابی نداریم! مرشد سعیدی نداریم! دیگر به ندرت آدم کارکنشته داریم. در حوزه نمایش‌های شادی‌آور دیگر سیدی افشار نداریم! مثلاً در بخش شبیه‌خوانی ما سه نفر را داور گذاشتیم که هر سه نفر‌شان هم تجربه اجرای تعزیه داشتند، هم موسیقی تعزیه را می‌شناسند. یکی از آنها آقای محسن هاشمی که هم تحصیلات دانشگاهی موسیقی دارد، هم نوازندگی می‌داند و هم از دوران نوجوانی تا امروز جزو بنام‌ترین تعزیه‌خوانان کشورمان هم هست. همین آقای هاشمی طی چند وقت اخیر تلاش کرده و ردیف آوازی تعزیه را نوشته‌است. یکی دیگر آقای عظیم موسوی است که سال‌ها

هم تعزیه کار کرده و هم موسیقی و ردیف آوازی تعزیه را می‌شناسد! کسانی که در این جشنواره دآوری می‌کنند قطعاً با غرض و مرض قضاوت نمی‌کنند حالا اینکه یک کسی نمی‌خواهد اشتباهش را بپذیرد و یا به جایی اینکه برود بیشتر یاد بگیرد بیاید و چنجال و سسر و صدا کند که فایده‌ای ندارد. وقتی ما می‌بینیم در هیچ دانشگاهی این نوع نمایش‌ها آموزش داده نمی‌شود آیا می‌توان در حوزه نمایش‌های آیینی سنسنی جوازنگرایی مفرط کرد؟! در این دوره از جشنواره ما از کودک‌کش، هفت‌ساله تا پیرمرد ۸۰ و چند ساله شرکت‌کننده داشتیم! این نشان می‌دهد که در جشنواره برای طیف‌های مختلف سنی فرصت فراهم شده است!حالا یکی کارش خوب است، یکی کارش خوب نیست!

بعضی از فعالان هنرهای آیینی و سنتی نسبت به بخش‌های مختلف جشنواره و مثل بخش تعزیه یا گلابه‌هایی داشتند چنین مقبولیت و محبوبیتی در بین مردم ندارند!منتها ظاهر آنسبت به این نمایش‌های آیینی و سنتی چپه‌گیری وجود دارد. علت این مسئله را در چه چیزی می‌دانید؟

من نمی‌دانم که دلیل آنها چیست اما انتظار می‌رود کسانی که به فرهنگ این آب و خاک توجه و علاقه‌ای دارند همه‌شان باید بسج شوند و نسبت به سسر انجام گرفتن این مقوله تقاضا داشته باشند. اگر بشود به قول امروزی‌ها یک هشتگی راه بیفتند و این موضوع را از وزارت علوم تقاضا بکنند. این وزار تخانه خودش رأساً می‌تواند نسبت به تأسیس این رشته اقدام کند یا از شورای انقلاب فرهنگی چنین درخواستی مطرح شود. وقتی ما ۱۴۴ واحد دانشگاهی

درس برای این رشته تعریف کردیم روی هوا که این کار را انجام نداده‌ایم! بعد از ۴۵ سال مطالعه و کار و پژوهش چنین اتفاقی افتاده اگر این کار شدنی نبود پس ما چطور این کار را انجام داده‌ایم؟! چه جوری فلان آقا شبیه‌نامه رزم سهراب و گردآفرین را نوشته؟! در یکی از منابع موسیقی درست استفاده نکنند چه چیزی از می‌ماند!

راهبردم شما برای برگزیدگان جشنواره چیست؟ آیا آنها را تحت آموزش و حمایت و هدایت قرار می‌دهید؟

ما چون به صورت یک تشکیلات یا تشکل جایی را نداریم که بخواهیم بحث آموزش مستمر نسبت به برگزیدگان جشنواره داشته باشیم واقعیت این است که در گروه‌های برگزیده جشنواره باید حمایت صورت بگیرد و به آنها اجازه اجرا بدهند یعنی زمینه‌های اجرا را برای‌شان فراهم کنند که گاهی می‌شود و گاهی هم نمی‌شود! که یک بخش از این مسئله مربوط می‌شود به سلیقه مدیران و به نظر من این درست نیست! اگر بر گزار ی این جشنواره ضرورت داشته که داشته خوب باید برای اجراایش هم حمایت صورت بگیرد و رسمیت برای‌شان قائل شویم!اولی همان‌طور که گفتیم متأسفانه برخی مدیران سازمان‌ها سلیقه‌ای عمل می‌کنند که اصلاً درست نیست برای همین مسئله است که ما به دنبال یک جای مستقل برای نمایش‌های آیینی و سنتی هستیم که بتوانیم شرایط اجرای مستمر این نمایش‌ها فراهم کنیم و حقیقتاً در آن صورت است که زمینه‌های توسعه محقق می‌شوند.

رویداد

در کنگره بین‌المللی علوم انسانی مطرح شد

گفتمان علوم انسانی اسلامی باید گفتمان غالب دانشگاه‌ها شود

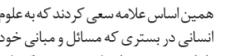
قصدم ا این است که در دانشگاه، گفتمان علوم انسانی اسلامی به گفتمان غالب تبدیل شود. استاذان ما باید در این زمینه به گفتمان‌سازی لازم برسند.

عبدالله معتمدی رئیس دانشگاه علامه طباطبایی با بیان این مطلب در جریان برگزاری ششمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در مرکز همایش‌های صدا و سیما گفت: توجه به علوم انسانی اسلامی فراتر از ایران و انقلاب اسلامی مطرح است و اندیشمندان بزرگی از جهان اسلامی به این مسئله پرداختند ضمن اینکه انقلاب اسلامی نیز حرکتی در این مسیر بود.

وی با بیان اینکه هیچ زمانی مثل امروز کشور ما آمادگی بحث در تحول علوم انسانی را نداشته است، عنوان کرد: جهت اسلامی‌سازی علوم انسانی زحمتی که مرحوم علامه مصباح یزدی در همکاری حوزه و دانشگاه داشتند را بسیار اثرگذار کرده‌است، رئیس دانشگاه علامه طباطبایی

بیبان اینکه امروز پرورش یافتگان دانشگاه و پژوهشگاه‌هایی که در این زمینه فعال شدند پتانسیل بسیار خوبی برای اسلامی‌سازی علوم انسانی هستند، اظهار کرد: فرآیند اسلامی‌سازی علوم انسانی مستمر و دشوار است.

وی با بیان اینکه برای موفقیت در خصوص اسلامی‌سازی علوم انسانی باید این اقدام در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها به گفتمان علمی



همین اساس علامه سعی کردند که به علوم انسانی در بستری که مسائل و مبانی خود را دارد توجه شود. ایشان معتقد بود که باید علوم انسانی اسلامی را شناخت و مبانی آن را به دست آورده و نقد کرد.

وی اضافه کرد: علامه مصباح به عنوان یک الگوی نمونه وارد تدوین علوم انسانی اسلامی شد و بحث معارف اندیشه اسلامی را به علوم انسانی موجود توسعه داد. پس از انقلاب که امام راحل طرح بازسازی علوم انسانی را مطرح کردند، اقدامات لازم را آغاز کردند. در همان زمان برخی کارشنکی علیه این اقدامات را شروع کردند و این طرح مبارک متوقف شد اما علامه به مسیر خود ادامه دادند.

رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) یادآور شد: مسیر بعدی

علامه مصباح تأسیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی بود که به تربیت محققان بپردازد. امروز در حوزه علمیه انجمن‌های علوم انسانی تشکیل شده و مدیران آنها فارغ‌التحصیلان دوره‌هایی هستند که علامه دوره‌های آن را اجرا کرد و اکنون در بخش علوم انسانی اسلامی حضور فعال دارند. علامه در سال‌های پایانی عمر خود اقدام به تدوین سند جامع علوم انسانی اسلامی و قرآن‌بنیاد کردند که نمونه‌نادر و بی‌سبندی از سؤالات پاسخ‌گفته است.

رجبی با اشاره به اینکه کتاب بحران جامعه‌شناسی غرب تصریح می‌کند که هر جامعه و فرهنگی در علوم انسانی یک سؤال دارد که انسان در نظام جامعه انسانی در کجا قرار دارد، افزود: مبانی ارزش‌شناسی این علوم از منظر قرآنی تدوین نمی‌شود بنابراین کاختی که روی آن بنا شود بدون مبناست. لذا در این سند تأکید شده که مبانی علم، علوم انسانی، مشترکات این رشته‌ها و مبانی هر یک از رشته‌های علوم انسانی به معنای فلسفه این علوم باید نگاهته شود.

وی با تأکید بر اینکه برای آغاز حرکت در تولید علوم انسانی اسلامی باید به شناخت نظام اندیشه اسلامی پرداخته شود، افزود: تولیدکننده علوم انسانی باید خطوط اندیشه قرآنی و اسلامی را بداند. مرحله دیگر شناخت مبانی و روش علوم انسانی از دیدگاه قرآن است. ضمن اینکه شناخت علم مورد نظر با رویکرد انتقادی است و محققان در مؤسسه امام خمینی تا مقطع دکتری این رشته‌ها را خوانده‌اند و شناخت کافی در فلسفه و نقد فلسفه آن علم را می‌دانند و به روش استنباط از منابع اسلامی شناخت لازم دارند.